



## نگرشی درون دینی بر جامعیت قرآن و اسلام

پدیدآورده (ها) : پرچم، اعظم

علوم قرآن و حدیث :: گلستان قرآن :: نیمه اول مرداد 1383 - شماره 179

از 28 تا 31

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/3964>

دانلود شده توسط : سید اسد اله موسوی عبادی

تاریخ دانلود : 16/04/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



## دکتر اعظم پرچم عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

پژوهشهای مربوط به تاریخ و فرهنگ بشری، گویای این حقیقت است که بشر هیچ گاه بدون دین زندگی نکرده و همواره در جستجوی این راز بزرگ هستی تلاش می‌کرده گاهی می‌توانسته جلوه‌ای از حقیقت آن را درک کند و زمانی به بیراهه می‌رفته و اصل آن را انکار می‌کرده است؛ همچنین با رشد و تعالی افکار و استعدادهای انسانی، دین در معرض سوالاتی قرار می‌گرفته است از جمله این که: در صورت تکامل و پرورش خرد و عقل، کارایی و کاربرد دین چیست؟ آیا دین آموزه‌هایی قابل اجرا در تمامی نسلها و جوامع دنیا دارد؟ دین، اصولاً به بیان چه اموری می‌پردازد و پاسخگوی کدامیک از خواسته‌ها و نیازهای بشری است؟ آیا دین همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد؟

در این مقاله مقصود از دین، دین آسمانی و حق است که در طول تاریخ از جانب خداوند توسط پیامبران به بشر عرضه شده است، نه این که قابل اطلاق به هر گونه برداشت و فهم از دین باشد.

در پاسخ به پرسشهای طرح شده باید گفت دین توحیدی دارای جامعیت است و همه ادیان آسمانی که از جانب خداوند نازل گردیده‌اند قبل از این که دستخوش تحریف و تغییر قرار گیرند، دارای ویژگی جامعیت در

زمانه خود بودند. شرایع پیش از اسلام، علاوه بر جامعیت، از کمال نسبی نیز برخوردار بوده‌اند ولی شریعت اسلام دارای جامعیت و کمال نهایی است. از همین رو، شریعت پایانی، جاودانی است.

مقصود از جامعیت دین، این نیست که همه مسایل نظری و عملی مربوط به زندگی مادی و معنوی انسان و همه مسایل خرد و کلان زندگی انسانی و پدیده‌های طبیعی توسط پیامبران الهی بیان شده باشد و انسان با مطالعه کتب آسمانی از هر گونه جستجو و تحقیق در شناخت آفرینش خویش و هستی بی‌نیاز شود. دین برای این نیامده که عقل و اندیشه آدمی را تعطیل کند و او را از هر گونه کوشش فکری و تلاش معرفت جویانه باز دارد، نیامده که وحی را به جای عقل و حس قرار دهد، بلکه می‌خواهد افق‌هایی از حقایق را که از دسترس عقل و حس بیرون است، برای انسان روشن کند: از این جهت، وحی مکمل عقل و حس است. هدف و مقصود وحی و دین این است که انسان را به سمت کمال واقعی و همه جانبه‌اش هدایت کند و متناسب با این هدف و رسالت در سرنوشت حیات مادی و معنوی انسان دخالت دارد، ولی هرگز جایگزین علوم و دانش‌های بشر نمی‌شود.

می‌خواهد افق‌هایی از حقایق را که از

دسترس عقل و حس بیرون است، برای انسان روشن کند: از این جهت وحی مکمل عقل و حس است. هدف و مقصود وحی و دین این است که انسان را به سمت کمال واقعی و همه جانبه‌اش هدایت کند و متناسب با این هدف و رسالت، در سرنوشت حیات مادی و معنوی انسان دخالت دارد، ولی هرگز جایگزین علوم دانش‌های بشر نمی‌باشد.

در بحث از قلمرو و محدوده دین، نظرات برخی از علما را مطرح می‌نماییم:

علامه طباطبایی در «تعریف دین» می‌گوید: «آن، روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد، تأمین می‌نماید سپس در شریعت باید قانونهایی وجود داشته باشد که روش زندگی را به اندازه احتیاج روشن سازد».

وی در تفسیر آیه ۲۱۲ سوره بقره مسایل و اموری را در شناسایی دین طرح می‌کند که براساس آنها انسان موجودی اجتماعی و استخدام کننده است و همین عامل، موجب اختلاف در تمام شئون حیات بشر می‌شود. طبیعت انسان برطرف کننده اختلاف نیست، همچنین عقل بشر نمی‌تواند او را به کمال و سعادت دعوت کند: از این رو، ضروری است که پروردگار به طور غیرطبیعی، انسان را به

# نشانی از دین توحیدی در روایتی برجسته قرآن و احکام اسلام

دین توحیدی دارای جامعیت است و همه ادیان آسمانی که از جانب خداوند نازل گردیده‌اند قبل از این که دستخوش تحریف و تغییر قرار گیرند، دارای ویژگی جامعیت در زمانه خود بودند. شرایع پیش از اسلام، علاوه بر جامعیت، از کمال نسبی نیز برخوردار بوده‌اند ولی شریعت اسلام دارای جامعیت و کمال نهایی است. از همین رو، شریعت پایانی، جاودانی است.

الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمة لقوم یومنون ... سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه از کتابهایی است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است» (یوسف / ۱۱۱).

در این دو آیه عبارات: «تبیاناً لکل شیء» و «و تفصیل کل شیء» دلالت دارد بر اینکه قرآن جامع مطالب و بیانگر و تفصیل دهنده هر چیزی است. یعنی هدف از نزول، روشنگری است: زمانی توسط آیات قرآن و زمانی توسط پیامبر. «لتبین للناس ما نزل الیه»<sup>۷</sup> نکته دیگر در عبارت: «الکل شیء» است. یعنی روشنگری در معارف و علمی که به سرنوشت سعادت ابدی انسان مربوط است و مشابه این تعبیر در مورد تورات آمده است:

«ثم اتینا موسی الکتاب تماماً علی الذی احسن و تفصیلاً لکل شیء و هدی و رحمة لعلهم یلقا ربهم یومنون. آنگاه به موسی کتاب دادیم، برای اینکه (نعمت را) بر کسی که نیکی کرده است. تمام کنیم، و برای اینکه هر چیزی را بیان نماییم، و هدایت و رحمتی باشد، امید که به لقای پروردگارش ایمان بیاورند» (انعام / ۱۵۴)

«و کتبتنا له فی الاولواح من کلی شی موعظه

اسلام را هماهنگی با فطرت انسان می‌دانند. از نظر ایشان، اسلام طرحی است کلی و جامع و همه جانبه و معتدل و متعادل، حاوی همه طرحهای جزئی و کارآمد».

از آنجا که دین و فطرت هر دو از پدیده‌های الهی هستند، باید دیگر هماهنگی و تفاهم دارند: همچنین مقتضای فطرت آدمی و فطری بودن دین الهی، این است که دین از جامعیت برخوردار باشد و مقتضای دین فطری این است که نه تنها قوا و نیروهای مختلف وجودی انسان ملغی نگردد، بلکه در برنامه دین، تعدیل شده و حق هریک ادا شود.

## جامعیت دین اسلام

قرآن کریم در آیات خویش بر جامعیت خود تأکید کرده است. برخی از آیات اشاره به تبیان بودن و تفصیل دار بودن هر چیزی در قرآن تأکید می‌کند: برخی دیگر اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند و بعضی نیز دستورات قرآن را جاودانی و کامل می‌داند.

## الف - تبیان بودن قرآن

«... و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین... و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است. بر تو نازل کردیم» (التحل / ۸۹)

«... ما کان حدیثاً یفتیروا و لکن تصدیق

راه رسیدن به کمال مطلوب رهنمون شود و قوانین و مقرراتی وضع کند که با نظام آفرینش انسان هماهنگ باشد».

وی همچنین درباره هدف اصلی دین می‌فرماید: «حقیقت دین، تعدیل اجتماع انسان در مسیر حیاتی آن است و به تبع، تعدیل حیاتی یک فرد را هم در بردارد. دین، اجتماع انسانی را در راه فطرت و آفرینش وارد ساخته و موهبت حریت و سعادت فطری را - چنان که مقتضای عدل است - به آن می‌بخشد: همچنین به یک فرد حریت مطلقه داده، آن چنان که فکر و اراده‌اش او را رهبری می‌کند، تا جایی که به حیات اجتماع ضروری نرساند، در انتفاع بردن از جهات حیات، آزاد می‌گذارد»<sup>۲</sup>.

استاد مطهری دین را جامع و کامل می‌داند و همین امر را رمز ختم نبوت تلقی می‌کند: «اسلام به واسطه کمال و کلیت و تمامیت و جامعیتش به نبوت تشریحی پایان داده است»<sup>۳</sup>. ایشان در جایی دیگر می‌نویسند: «اگر اسلام به برخی از عوامل مؤثر و حاکم بر زندگی انسان توجه نمی‌کرد و فقط برای برخی از ابعاد زندگی بشر به وضع قانون می‌پرداخت، دیگر دین متعادل نمی‌بود. با این بیان، لازمه متعادل بودن اسلام، جامعیت آن است»<sup>۵</sup>.

استاد شهید رمز خاتمیت و جاودانگی





دین برای این نیامده که عقل و اندیشه آدمی را تعطیل کند  
و او را از هر گونه کوشش فکری و تلاش معرفت جویانه باز  
دارد، نیامده که وحی را به جای عقل و حس قرار دهد.  
بلکه می‌خواهد افق‌هایی از حقایق را که از دسترس عقل و  
حس بیرون است، برای انسان روشن کند؛  
از این جهت، وحی مکمل عقل و حس است.

و تفصیلاً لکل شیء... و در الواح (تورات) برای او در هر موردی بندی، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم...<sup>۸</sup>  
مفسران قرآن در مورد تبیان بودن قرآن و اینکه تفصیل همه چیز در قرآن است مطالبی را بیان کرده‌اند: شیخ طوسی<sup>۹</sup> و طبرسی<sup>۱۰</sup> «تبیان کلی شیء» را بیان مشکلاتی می‌دانند که مربوط به امور دین است.  
زمخشری<sup>۱۱</sup> معتقد است که آیه در ارتباط با امور دینی است و خداوند امور مربوط به سعادت افراد را بیان کرده، برخی را با صراحت و برخی را به سنت ارجاع داده است. رشیدرضا<sup>۱۲</sup> کمال دین را عقاید و احکام و آداب عبادت - به تفصیل - می‌داند، اما معاملات را به اجمال و اولی الامر را از محورهای کمال دین و جامعیت آن تلقی می‌کند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۸۹ سوره نحل آورده است که تبیان به معنای بیان است، زیرا قرآن کتاب هدایت عموم بوده و مراد به کل شیء همه آن چیزهایی است که بر گشتن به هدایت باشد، از معارف حقیقه مربوط به مبدأ، معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهیه، قصص و مواعظی که مردم در امتداد و راه یافتن به آن محتاجند و قرآن تبیان همه اینهاست.<sup>۱۳</sup>

ب - جهانی بودن قرآن  
جهانی بودن دین اسلام به این معنا است

که تعالیم قرآن به جامعه و نژاد خاصی اختصاص ندارد بلکه خطاب به همه مردم جهان است.

«و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.» (الانبیاء / ۱۰۷)

«و ما هو الا ذکر للعالمین. و حال آنکه (قرآن) جز تذکاری برای جهانیان نیست.» (القلم / ۵۲)

«و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون. و ما تو را جز (به سمت) بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم، نفرستادیم. لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.» (سبا / ۲۸)

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً. کسی بزرگ (و خجسته) است بر بنده خود که فرقان (- کتاب جدا سازنده حق از باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.»

ج - جاودانگی قرآن

«... و انه کتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید... و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی (نامه) است از حکیمی ستوده (صفات)» (فصلت / ۴۱-۴۲)

«... و او حی الی هذا القران لانذرکم به و من بلغ... و این قرآن به من وحی شده تا به

وسیله آن، شما و هرکس را (که این پیام به او برسد) هشدار دهیم...» (انعام / ۱۹)  
خداوند در این آیه بیان می‌دارد که نزول قرآن به منظور انذار و برحذر داشتن مخاطبان تاروز قیامت است.

«... الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً... امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم...» (المائده / ۳)

جامعیت قرآن در روایات

۱ - امام علی (ع) می‌فرمایند: اگر دین جامع نباشد ناقص خواهد بود؛ نه خدا دین ناقص فرو فرستاده و نه پیامبرش در رساندن پیام دین کوتاهی کرده است.

«ام انزل الله دیناً ناقصاً فاستعان بهم علی اتمامه، ام کانوا شرکاء له؟ فلهم ان یقولوا و علیه ان یرضی و ام انزل دیناً تاماً فقصر عن تبلیغه و ادائه، والله سبحانه یقول: ما فرطنا فی الکتاب من شیء و فیه تبیاناً لکل شیء»<sup>۱۴</sup>. آیا خداوند دین ناقصی را فرو فرستاده تا با کمک دیگران تمام کند؟ یا آنها در تکمیلش شریک هستند تا آنها بگویند و خداوند بر آن راضی باشد؟ یا خداوند دین کاملی فرستاده، اما پیامبر در رساندن پیام و بیانش کوتاهی کرده است؟ در حالی که خداوند می‌فرماید: ما هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکردیم و قرآن بیانگر هر چیزی است.»



پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۱۸۷.
- ۲- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۱۸۰ - ۱۸۸.
- ۳- ترجمه المیزان، ج ۶، ص ۹۷.
- ۴- ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۱۷۳.
- ۵- مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۰ / خاتمیت، ص ۱۹.
- ۶- مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.
- ۷- ترجمه قرآن از محمدمهدی فولادوند، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم.
- ۸- اعراف/ ۱۴۵.
- ۹- در التبیان، ج ۶، ص ۴۱۸.
- ۱۰- در مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۱۸.
- ۱۱- در کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸.
- ۱۲- المنارج، ج ۶، ص ۱۶۷.
- ۱۳- ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۴۶۹.
- ۱۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۸.
- ۱۵- اصول کافی، ج ۱ / ص ۵۹، به تصحیح علی اکبر غفاری.
- ۱۶- اصول کافی / ج ۱، ص ۶۰.
- ۱۷- همان، ص ۶۱، نورالتقلین، ج ۲، ص ۷۵.

کرد و پاسخ شنید. بدانید که در قرآن دانستنی‌های گذشته و آینده تا روز قیامت است. خیر آسمان و زمین و بهشت و جهنم است. اطلاع از حوادثی است که در پیش رخ داده یا در آینده رخ خواهد داد. من آن را می‌دانم، همانند کسی که به کف دست خود نگاه می‌کند؛ به درستی که خداوند فرموده: «فیه تبیان کل شیء. در او تبیین همه چیز است».

از مجموع این روایات چنین استفاده می‌شود که در قرآن، معارفی شامل امور اعتقادی و جهان آفرینش و اخبار گذشته و آینده و امور عملی و احکام و مقررات شریعت است که نیازهای مردم در امر دین است؛ به تعبیر دیگر، آنها اساسنامه زندگی انسان خداپرست است. دیگر اینکه اهل بیت (ع) در فهم و بیان قرآن و تفصیل احکام، نقش کلیدی دارند و نکته دیگر نفی قاطع ناقص بودن شریعت و کوتاهی نکردن پیامبر در بیان نیازها و معلومات است.

۲- کلینی از مرآزم از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شیء حتی والله ما ترک شیئاً تحتاج الیه العباد حتی لا یستطیع عبد یقول لو کان هذا انزل فی القرآن الا و قد انزل الله فیه ۱۵ همانا خداوند تبارک و تعالی قرآن را بیانگر هر چیزی قرار داده است. حتی به خدا سوگند که رها نکرده چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج داشته باشند، تا آن جا که کسی نمی‌تواند بگوید: ای کاش خداوند آن را در قرآن بیان می‌کرده و نکرده است.

۳- معلی بن خنیس از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «ما من امر تختلف اثنان الا وله اصل فی کتاب الله عزوجل و لکن لا تبلغه عقول الرجال»<sup>۱۶</sup>. مسأله‌ای نیست که مردم درباره آن اختلاف داشته باشند، مگر آن که در قرآن اصل و قاعده و کلینی آن را بیان کند، اما عقول مردم به آنها نمی‌رسد.

۴- امام صادق(ع) از امام علی(ع) نقل می‌کند: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن، اخیرکم عنه الا ان فیه علم ما مضی و علم مایاتی الی یوم القیامه و فیه خبر السماء و خبر الارض و خبر الجنه و خبر النار و خبر ماکان و ما هو کائن. اعلم ذلک کما انظر الی کفی ان الله یقول فیه تبیان کل شیء...»<sup>۱۷</sup>. این قرآنی که تفصیل حلال و حرام است، باید او را به نطق درآوردید و مطالب خود را از او بگیرید، او سخن نمی‌گوید، باید از او سؤال